

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

خورشید عطانی
تورونتو - ۱۶ فیروزی ۲۰۱۵

بهار

مگر بهار می آید که راهبین استی
بهار بی تو چه سودی که رنگ و بویش نیست
بهار حسن تو سازد خجل بهاران را
بجا بود اگر عاشقان بسیار اند
تو سنگدل نیدی آنقدر که من دانم
بیا که عشق تو میپرورم به خانه دل
بهار و باغ مرا نیست و اصف دیگر
به جست و جوی تو مردم ولی نشد واضح
بیا که زندگی جانم از نفسهایت
بیا که بی تو مرا زندگی مکدر شد
تو نور و گرمی خورشید راستین استی
بهار آرزوها را سوز این استی
تو عطر سنبل و ریحان و یاسمین استی
ز بس که خوشگل و زیبا و نازنین استی
که تو سرآمد خوبان مهجبین استی
مگر که با کس بدخوی همنشین استی
صفا و راستی از عشق دلنشین استی
تویی که با سر انگشترم نگین استی
که در کجا و کدام شهر و سرزمین استی
بهار بخت من بیکس و حزین استی